

«هو الحکیم»

عنوان:

سه قاعده برائے اخلاق از نظر کانت



دکتر باقر پورکاشانی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْيَاسَجِبِ الزَّمَانِ



『@SERATEHAGHI』

ایشان (کانت) سه شرط برای اخلاق، سه قاعده‌ی کلی برای اخلاق مطرح می‌کنه. می‌گه «چنان عمل کن که دستور عمل تو برای همگان همواره همه جا قاعده‌ی کلی باشد. خب با این معنا دیگه استثنائات، مثلاً مثل دروغ مصلحتی رو ایشان نفی می‌کنه با این قیدی که در ارتباط با اخلاق مطرح می‌کنه. دوم می‌نویسه همواره چنان عمل کن که هر انسان، انسان‌ها اعم از خودش یا دیگران رو، هدف در نظر بگیری، نه ابزار و وسیله برای رسیدن به هدف. گاهی اوقات آدم‌ها رو ما نردبان قرار می‌دیم به خاطر این که به اون چیزی که می‌خوایم برسیم! در صورتی که می‌گه هدف، همون انسان هست؛ حالا چه تو باشی چه غیر تو باشه. سوم می‌گه چنان عمل کن که از قانون‌گذاری تو یعنی همین اراده‌ی عقلی تو، اون اراده‌ی مطابق با تکلیف، دستورهای صادر بشه که با استقرار غایت مطلق، یعنی انسان سازگار باشه. این سه شرط رو ایشان مطرح می‌کنه.

لذا منشأ اخلاق به عقل برمی‌گردد؛ انسان هم منشأ اخلاق هست، یعنی اخلاق يك چیز انتزاعی از خارج نیست، هم غایت هست؛ یعنی خودش رو به عنوان غایت الامر لحاظ می‌کنه. ایشان به قول یکی از اساتید ما می‌گفت که از هر اومانیسمی، اومانیسم‌تر هست! یعنی ایشان دین و زیباشناسی و معرفت بشری که پدیدارشناسی هست، تمام این‌ها رو اموری انسانی می‌دونه و متوقف به انسان می‌دونه! به تعبیری می‌گه که انقلاب کوپرنیکی در معرفت بشری تحقق پیدا کرده به واسطه‌ی نظریات من. کوپرنیک شخصیتی بود که هیئت بطلمیوسی رو خط بطلان بهش کشید. قبل از ایشان معمولاً فیلسوفانی که در خصوص معرفت نظر دارن، نظرشون این بود اون درکی که ما داریم نسبت به ما فی الخارج، عینیت داره؛ یعنی عینیت، تطابق ذهن و عین رو مطرح می‌کنن. خب ایشان مطرح می‌کنه که نه! ذهن انسان متحرك هست و با هر حرکت، جهان به شکل خاصی دیده می‌شه، انعکاس پیدا می‌کنه برای انسان. به تعبیری ذهن، تابع نیست، ذهن رو فعال می‌دونه. حالا ممکنه این چیزی که دریافتی که ایشان داره در ارتباط با خود ذهن یا فعالیتی که فعال بودنی که این داره مطابق خارج باشه یا مطابق خارج نباشه.